

غزل شماره ۴۵۷

هزار همد بکردم که یار من باشی

مراد بخش دل بی قرار من باشی

چراغ دیده شب زنده دار من کردی

اینس خاطر امیدوار من باشی

چو خسروان ملاحظت به بندگان نازند

تو در میانه خداوندگار من باشی

از آن عشق که خونین دلم ز عشوه او
اگر کنم گله ای نغمسار من باشی

در آن چمن که بان دست عاشقان گیرند
گرت ز دست برآید نگار من باشی

شبی به کلبه احزان عاشقان آبی
دمی اینس دل سوگوار من باشی

شود غزاله خورشید صید لاغر من
گر آهویی چو تو یک دم شکار من باشی

سه بوسه کزد و لبست کرده ای و طیفه من
اگر ادا کنی قرض دار من باشی

من این مراد بینم به خود که نیم شبی
به جای اشک روان در کنار من باشی

من ار چه حافظ شرم جوی نمی ارزم
مگر تو از کرم خویش یار من باشی

تفسیر فال

شما تمام تلاش خود را در این مسیر انجام داده‌اید، بنابراین نباید ناراحت باشید و به بخت خود گله کنید. از نظر شما ممکن است که همه چیز به پایان رسیده و زندگی‌تان به شدت تیره و تار شده باشد. احساس می‌کنید که او به وعده‌هایش عمل نکرده و در حالی که شما حسن نیت و خوبی خود را ثابت کرده‌اید، اما باز هم امیدی در دل دارید. این امیدواری نه تنها نشانه‌ای از قدرت روحی شماست بلکه رمز موفقیت واقعی‌تان نیز محسوب می‌شود. هنگامی که با چالش‌ها و ناامیدی‌ها مواجه می‌شوید، همین امید است که به شما نیرو می‌دهد تا ادامه دهید و برای آینده‌ای روشن‌تر تلاش کنید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)